وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت
می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

مجاهد

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ هفتم | چهارشنبه ۳۰ ثور ۱۳۸۳ | ۲۹ ربیع الاول ۱۴۲۵ | 19 May 2004

سرمقاله
راه درست مبارزه بافساد اداری
ص۲

تراژدی فلسطین، زخ ناسور امت اسلامی!
ص۷

استاد برهان الدین ربانی:
بهرنیانو ته نه ښایي چې افغانستان ته مشر وټاکي



دجهاد او مقاومت لاربنود استاد برهان الدین ربانی دعربو دقوم دمشرانو دشوری په غونډه کی چی دتیری جمعی په ورځ په قرغه کی جوړه شوی وه دبرخی اخیستنی په وخت کی دهیواد د اوسنیو شرایطو پر اهمیت او دراتلونکو ټول ټاکنو په باب خبری وکړی، وی ویل:

دافغانستان ولس له بل هرچانه ښه خپل ولسمشر ټاکلی شی، هیڅ هیواد ته په کار نه دی چی زمونږ په چاروکی لاس وهنه وکړی. ده زیاته کړه: دافغانستان دولس ټاکنه، هیڅ هیواد ته خطر نه دی نو هغه هیوادونه چی غواړی، دافغانستان ملګری و اوسی باید افراد یا ډلی غوره نه کړی.

وحید مژده
آیا افغانستان از روسیه وامدار است؟

بدنبال سفر وزیر خارجهٔ دولت انتقالی اسلامی افغانستان به ماسکو، دولت روسیه مسئلهٔ قروض خویش به افغانستان را که تا قبل از هشت ثور ۱۳۷۱ به رژیم های سابق پرداخته بود، مطرح ساخت. اصل خبر در سایت خبری روسیه در اینترنت چنین بود: به گزارش خبر گزاری "اینتر فاکس(INTERFAX)" وزیر امور خارجه فدراسیون روسیه سرگی لاوروف بعد از پایان مذاکرات با وزیر امور خارجه افغانستان عبدالله عبدالله در مسکو اعلام کرد که مسألهٔ بدهی خارجی افغانستان به روسیه در چهارچوب اتحاد بانکهای پاریس حل خواهد شد. وزیر امور خارجه روسیه گفت:"ما به توافق رسیدیم ص۲


AP

کرزی در مقابله با انتخابات دموکراتیک
ص۳

ژنرال عطا محمد:
نمایندهٔ ملل متحد حرف خود را باید پس بگیرد



فرمانده معروف جهادی عطامحمد که سمت قوماندان قول اردوی نمبر هفت را به عهده دارد در محفلی که برای اعطای رتبه های ژنرالی به شماری از افسران منسوب به قول اردوی نمبر هفت در شهر مزارشریف دایر گردیده بود، سخنرانی کرد ونسبت به اظهارات نمایندهٔ سازمان ملل در افغانستان که اورا مانعی و بر سر راه خلع سلاح توصیف کرده بود عکس العملی صریح نشان داد و اظهارات وی را با لحن جدی رد نمود وبه دفاع از کار نامه های قول اردوی نمبر هفت پرداخت.

فرمانده عطامحمد در قسمتی از صحبت خویش، در بارهٔ خلع سلاح افراد خود گفت که یکی از اعضای یوناما در بارهٔ ما مجاهدین سخن گفته، گویا ما را مانعی بر سر راه خلع سلاح خوانده است، گویا نمی خواهیم سلاح خود را تسلیم کنیم وجریان این سخنرانی از طریق تلویزیون بلخ نیز به نشر رسیده است.

او گفت که ما اولین کسانی بودیم که بایک فرمان سلاح ص۷

قانون انتخابات به تصویب کابینه رسید

روز دو شنبهٔ گذشته مجلس کابینه قانون انتخابات را پس از بررسی تصویب رسانید، اما برای بازنگری آن چند تن از وزیران از جمله وزیر عدلیه و وزیر عوت مهاجرین موظف شده اند تا آن را جهت توشیح رئیس دولت آماده سازند.

با اصدار قانون انتخابات فراز و فرودهای کار انتخابات ریاست جمهوری وپارلمانی مشخص خواهد شد.

هر چند زود است که در بارهٔ چند وچون این قانون از پیش سخن گفت ولی برخی از آگاهان می گویند قانون انتخابات به سان بسیاری از دیگر قوانین مصوب مجلس کابینه خالی اشکالیات فراوان نیست.

په بندیخانو کی باید دنړیوالو میثاقونو او اخلاقی معیارونو له مخی چلند وشی
ص۶

کنفرانس سازمان همکاری های اقتصادی منطقه یی با افغانستان به کار خود پایان داد

مطابق گزارش بی.بی.سی منتشرهٔ شام بیست وسوم ثور هفتهٔ گذشته در شهر بشکیک پایتخت قرغزستان کنفرانس همکاری های اقتصادی منطقه یی با افغانستان با اشتراک وزرای کشورهای آسیای میانه، ایران، پاکستان وافغانستان دایر گردید.

این کنفرانس که به ابتکار برنامهٔ توسعهٔ سازمان ملل به منظور جذب همکاری های تجاری و ارتباطات ترانزیتی کشورهای منطقه با افغانستان بر گزار گردیده بود با انتشار اعلامیه یی مشترک به کار خود پایان داد.

در اعلامیهٔ مشترک که شام بیست وسوم ثور در بشکیک منتشر گردید، کلیه کشورهای شرکت کننده آمادگی خود را برای مشارکت فعال در روند بازسازی افغانستان اعلام داشته و از جامعهٔ جهانی خواسته اند تا در این مسیر با آنها کمک کند.

براساس گزارش رادیو بی.بی.سی عسکر آقایوف نخستین سخنران کنفرانس از کلیه کشورهای منطقه، سازمان های بین المللی و جامعهٔ جهانی خواست تا امکانات بالقوه ومثمر خود را برای بازسازی بعد از جنگ در افغانستان به کار اندازند.

عسکر آقایوف در قسمتی از سخنان خویش در بارهٔ ص۶

مجاهد
ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان
مؤسس: استاد برهان الدین ربانی
سال تأسیس: ۱۳۵۷ خورشیدی
ناشر : دفتر فرهنگی
زیر نظر هیأت تحریر
آدرس : کابل- چهار راهی پروان دوم جادهٔ بادام باغ
صندوق پستی : ۲۲۶
شماره های تلفن:
تلفن: ۰۷۰۲۸۵۱۳۹
E-mail: mujahidweekly@yahoo.com

سرمقاله

راه درست مبارزه با فساد اداری

فساد اداری یکی از بیماری های معمول در کشور های جهان سوم است اما شدت و ضعف این بیماری تا حد زیادی به صداقت دولتمردان در مبارزه علیه فساد رابطه می گیرد.

در کشور ما این مشکل هرچند تازگی ندارد اما به جرأت می توان گفت ابعاد این فساد هیچگاه به گستردگی امروز نبوده است.

فساد اداری می تواند ناشی از دلایل مختلف باشد. حرص و آز و یا کمی معاش. در کشور هایی که دولت ها به علت ضعف قادر به کنترل ادارات نیستند این مشکل می تواند ناشی از حرص و آز باشد اما در کشور هایی چون افغانستان رشوه خواری غالبا توجیهٔ اقتصادی دارد. معاش کارمندان تکافوی نیاز های آنان را نمی نماید؛ بنا براین فساد اداری موجود است و نمی توان آن را کنترل کرد.

نباید گمان کرد که مشکل فساد فقط منحصر به ادارات دولتی است. دامنهء فساد در مؤسسات غیر دولتی گسترده تراست. در حالی که معاش کارمندان این گونه مؤسسات در مقایسه با ماموران دولتی بسیار بیشتر بوده و بنا بر این باید فساد و اختلاس در این گونه مؤسسات کمتر باشد.

در کشور ما در اثر جنگ ها و نابسامانی های ناشی از آن، اقشار دارای درآمد ثابت بیش از همه تحت فشار قرار گرفتند. رشد تورم و بلند رفتن قیمت ها موجب گردید تا کادر های ورزیدهء اداری یا مجبور به مهاجرت گردند و یا به کار هایی رو آورند که درآمد بیشتر داشته و تکافوی نیاز های شان را بنماید.

طالبان در برابر رشوه خواران پائین رتبه روش سخت داشتند ولی بلند رتبه یی در طول حاکمیت آنان به چنین جرمی متهم نشد. بخش بزرگی از ادارات دولتی در دوران آنان تعطیل گردید.

آقای کرزی هرچ٘د بارها از تعهد دولت خویش در مبارزه علیه فساد اداری سخن رانده است و حتی اداره ای هم تحت ریاست آقای لودین برای این کار بوجود آمده است اما از نظر ما دولت در این رابطه درگیر نوعی تناقض است. این تناقض ریشه در تفاوت معاشات دارد.

وقتی تفاوت معاش ماهانه میان مامورین دولت از چهل تا چندین هزار دلار است، چگونه می توان از یک کارمند با معاش معادل چهل دلار انتظار داشت تا دست به رشوه خواری و ارتشا نزند؟

کسانی که از خارج برگشته اند از معاش های دلاری آنهم به سویهء کشور هایی که از آنجا آمده اند برخوردار اند و حتی گفته می شود که معاش شان بیشتر از کشور های خارج است زیرا در آن کشور ها مالیات بر عواید فوق العاده زیاد است اما در افغانستان آنها مالیه نمی پردازند و بنابراین عاید بیشتر بدست می آورند.

بسیاری از کسانی که معاش های بلند دلاری دارند از نظر سطح آگاهی و کارآیی مزیتی بر مامورین دیگر ندارند و این خود موجب ایجاد یک خلای نه تنها اقتصادی میان این دو قشر می گردد بلکه از نظر روانی نیز تاثیرات منفی آن قابل درک است.

از نظر شریعت نیز دولت وظیفه دارد تا به کارمندان خویش به همان اندازه معاش بپرازد که تکافوی نیاز های شان را بنماید. در گذشته که کشور ما از امنیت و ثبات برخوردار بود، ودر آمد دولت تا حدی تکافوی نیاز ها را می نمود، مشکل فساد اداری به این گستردگی نبود.

اکنون که جامعهء جهانی دست کمک به سوی ما دراز نموده است و کار عظیم بازسازی در پیش است، ما بیش از هر زمان دیگر به یک نظام اداری سالم و خدمت گذار مردم نیاز داریم. بدون موجودیت یک نظام اداری و مدیریت سالم نمی توان در این راه گام های استوار برداشت و ره به منزل مقصود برد.

آیا افغانستان از روسیه ...

که مسألهٔ بدهی خارجی افغانستان به روسیه در چهارچوب اتحاد بانکهای پاریس حل خواهد شد .همچنین بخشیدن قسمت قابل توجه از بدهی ها پیش بینی شده است.

وی افزود: ما به توافق رسیدیم که در آینده نزدیک دیدارهای مشخص میان نمایندگان فدراسیون روسیه و افغانستان در این رابطه برگزار شود

یادآور می شویم که چندی پیش وزیر اقتصاد و دارایی روسیه آلکسی کودرین اعلام کرد که بدهی خارجی افغانستان به روسیه که قسمتی از آن بر حسب روبل اتحاد جماهیر شوروی سابق می باشد، مساوی با ۹ میلیارد دلار بوده است . بنا به گفتهٔ وی افغانستان خواهان بخشیدن کامل بدهی های خود می باشد. از طرف دیگر روسیه این پیشنهاد را پذیرا نبوده و خواهان تغییر ترکیب این بدهی ها احتمالا با بخشیدن قسمتی از آنها می باشد. وزیر اقتصاد و دارایی روسیه مسألهٔ ارائه کمکهای مالی از سوی روسیه به افغانستان را وابسته به حل و



فصل مسألهٔ بدهی خارجی این کشور به روسیه دانست.

به گزارش خبر گزاری «ریانووستی» (RIA Novosti)نمایندهٔ رسمی وزارت امور خارجهٔ فدراسیون روسیه آلکساندر یاکاونکو در آستانهٔ سفر رسمی وزیر امور خارجهٔ افغانستان دکتر عبدالله عبدلله به مسکو در تاریخ ۶-۷ می اعلام نمود که مسکو وارد مذاکرات با طرف افغانستان در زمینهٔ حل مساله بدهی این کشور به روسیه شده است .وی تأکید کرد که روسیه آماده است قضیهٔ این بدهی را با افغانستان حل نماید. بنا بر ارزیابی وزیر اقتصاد و دارایی فدراسیون روسیه آلکسی کودرین، بدهی خارجی افغانستان به روسیه بیش از 10.5 میلیارد دلار می باشد. کودرین اعلام نمود که روسیه تصمیم دارد ۸۰٪ از این بدهی را ببخشد .

بنابر اشارهٔ نمایندهٔ رسمی وزارت امور خارجه مقدار بالای بدهی خارجی افغانستان به روسیه از زمان روابط روس – افغانستان به ارث مانده است. این مساله کماکان مانع بر سر راه گسترش روابط میان روسیه و افغانستان در حال حاضر می باشد. وی افزود: در عین حال میان مسکو و کابل روابط خوبی وجود دارد. به ویژه زمینه هایی فراوان برای گسترش و توسعهٔ همکاری های اقتصادی و بازرگانی بین این دو کشور موجود می باشد.

این ادعای روسهاست، در حالی که مردم افغانستان نظری دیگری دارند.

نمایندگان مردم افغانستان در لویه جرگهٔ قانون اساسی خواهان آن بودند که روسیه به عنوان وارث اتحاد شوروی سابق باید به پرداخت تاوان جنگ به افغانستان وادار ساخته شود.

در دوران تجاوز و اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ صد ها هزار افغان به زندان کشیده شدند و بیش از شصت هزار از آنان مفقود الاثر گردیدند. در این زمان، افغانستان فاقد یک دولت مستقل و قانونی بوده و رژیم کمونیستی عروسکی بی اراده در دست کرملین بیش نبود. این رژیم با کمک نظامی شوروی بر اریکهٔ قدرت نگهداشته شده بود. بناء مسؤولیت همه اقدامات آن رژیم مزدور را اتحاد شوروی خود مستقیما به عهده داشت.

در طول ده سال تجاوز اتحاد شوروی به افغانستان زیربنای اقتصادی افغانستان یکسره ویران شد و میلیون ها افغان مجبور به مهاجرت از کشور گردیدند. در مورد میزان خسارات وارد آمده به افغانستان فقط به یک راپور مختصر از کمیتهٔ سویدن در سال ۱۹۸۸ اکتفا می کنیم که تنها میزان خسارات وارده بر ملکیت های روستایی در افغانستان را تخمین نموده است:

تعداد دهاتی که کاملا یا قسما صدمه دیده اند ۱۱۴۱۸ روستا.

از آنجمله:

تعداد خانه های ویران شده در دهات ۱۰۴۵۲۱۲ باب

تعداد مساجد ویران شده در دهات ۱۱۴۱۸ محراب.

تعداد مکاتب ابتدایی ویران شده در دهات ۳۳۶۱ باب.

تلفات و خسارات مواشی از سال ۱۹۷۸ الی ۱۹۸۸.

گوسفند و بز ۱۱۱۴۰۰۰۰ رأس- شصت و پنج درصد.

گوسفند قره قل ۴۱۸۱۰۰۰ رأس - شصت و هفت درصد.

گاو ۱۷۳۹۰۰۰ رأس– پنجاه و دو درصد.

اسپ ۱۷۸۰۰۰ رأس – ۳۱ درصد.

در این تخمین خسارات وارد آمده بر سایر ساختار های نظام روستایی کشور از جمله ویرانی سیستم آبیاری، مزارع، صنایع دستی... شامل نیست. کاشته شدن



ملیون ها ماین در مناطق روستایی توسط روسها و اثرات منفی اقتصادی آن در این تخمین محاسبه نشده است.خسارات وارده تنها در همین بخش سر به میلیارد ها دلار می زند.

در طول تقریباً سه دهه، اتحاد شوروی وارد کنندهٔ انحصاری گاز طبیعی افغانستان به کشور خویش بود. در افغانستان هیچ احصائیه یی دقیق در مورد این که در طول این مدت چه مقدار گاز طبیعی و به چه قیمتی به شوروی صادر شده است وجود ندارد. آنچه وجود دارد ارقامی است که خود روسها و ایادی آنان در افغانستان در دوران پس از کودتای ثور ۵۷ ارائه داده اند تا نشان دهند که شوروی چپاولگر منابع طبیعی افغانستان نبوده است. از نظر حقوقی نیز ادعای روسها در این مورد کاملا ناوارد است. از نخستین مذاکرات مستقیم میان روسها و مجاهدین در سال ۱۳۷۰ هجری شمسی، روسها گفته اند که تجاوز به افغانستان اشتباه نظام سیاسی سابق روسیه یعنی اتحاد شوروی کمونیستی بوده است و رهبران روسیه بارها این اقدام را محکوم کرده اند.

در مذاکرات میان مجاهدین و روسها در همین سال، الکساندر روتسکوی معاون رئیس جمهور روسیه که خود در جنگ افغانستان شرکت نموده و در جنگ به اسارت حزب اسلامی در آمده بود به هیأت افغانی به رهبری استاد ربانی گفت:

من در جنگ افغانستان شرکت داشتم و من در حالی که معاون رئیس جمهوری هستم، انسان هم هستم ص۶

په بندیخانو کی باید دنړیوالو میثاقونو او اخلاقي معیارونو له مخې چلند وشي

پامیر

د دویمې نړیوالې جګړې وروسته چې دملیونونو انسانانو ژوند ئې پای ته ورساوه. بنارونه ړنګ شول، ولسي او ملکي وګړي په زیاتي بې رحمۍ سره په ډله ییزه توګه و وژل شول نو دجګړې له پای ته رسیدو وروسته په ۱۹۴۵ کال کې سوبمن او ماتي خوړلي هیوادونه او ورسره یو ځای هغه هیوادونه چې په جګړه کې ئې برخه نه وه اخیستې دری واړه دتیرو نړیوالو جګړو په پایلو او پرمختیاو باندې دګډ تفاهم او خبرو کولو وخت پیدا کړ او دملګرو ملتو په نامه ئې دنړیوال ارګان بنسټ کیښود.

دوی دنړۍ دبقا، پرمختګ او دجنګ جګړو دمخنیوي په خاطر قوانینن وضع کړل او وخت په وخت ئې ددغه راز قوانینو نور ضمایم هم ورسره یوځای کړل چې له هغونه دبشري حقوقو او دجنګي بندیانو په وړاندې له شکنجې او زورنه دکار نه اخیستلو نړیوال میثاقونه او تړونونه دي چې باید دملګرو ملتو له خوائي د رعایت همیشني څارنه وشي د سرغړوونکو په وړاندې ئې پریکړه لیکونه صادر شي او مقابله ورسره وشي.

۳مخ



عراقي اسیر چې په زندان کې وژل شوی دی
عکس د CBS – له سایت څخه - انترنت

کرزی در مقابله با انتخابات دموکراتیک

وکیل منگل/ یکی از کاندیدا های ریاست جمهوری

اگر حامد کرزی خواهان کاندیداتوری خود به ریاست جمهوری افغانستان است باید استعفا بدهد.

همه رسانه های گروهی دولتی تبلیغات خود را به نفع کرزی به راه انداخته اند وی به این رسانه ها دستور داده است که به نفع کاندیدان دیگر تبلیغ نکنند.

اکثر وزرا، رؤسا، والیان و کارمندان دولتی با وعده های مکافات و مجازات به طرفداری از حامد کرزی تشویق می گردند.

آقای کرزی با استفاده از مقام و امکانات دولتی خویش با سران اقوام و اشخاص با نفوذ ارتباط برقرار می نماید. برخی از گروه ها و اشخاص به خاطر این که در آینده ویا همین اکنون برای شان مقام های بلند دولتی داده شود ویا در ساحه یی دیگر به آنها سهولت هایی مهیا گردد، فعالیت هایی متنوع را به نفع آقای کرزی سازمان می دهند.

اگر حامد کرزی از مقام دولتی خویش استعفا ننماید در انتخابات پارلمانی نیز از مقام دولتی خویش

اگر حامد کرزی از مقام دولتی خویش استعفا ننماید در انتخابات پارلمانی نیز از مقام دولتی خویش سوء استفاده کرده می تواند، هویداست که چنین وضع و عملکرد در مقابل پروسهٔ دموکراتیک کنونی موانع زیاد ایجاد نخواهد کرد

سوء استفاده کرده می تواند، هویداست که چنین وضع و عملکرد در مقابل پروسهٔ دموکراتیک کنونی موانع زیاد ایجاد نخواهد کرد.

در پهلوی اینها اگر کرزی خواهان کاندیدا شدن به مقام ریاست جمهوری افغانستان نیز نباشد بازهم بعد از برج جوزای سال ۱۳۸۳ هـ.ش هیچ نوع صلاحیت و جواز قانونی برای باقی ماندن در مقام ریاست جمهوری ندارد و اگر بدون رأی و رضایت مردم و یا نمایندگان آنها، به حکومت خویش ادامه دهد، عمل وی مخالف تمام نورم ها و قوانین ملی و بین المللی خواهد بود.

شنیدم آقای کرزی گفته است که اگر وی استعفا نماید خلای قدرت به میان خواهد آمد. اگر واقعاً هدف همین باشد خدا (ج) ناخواسته اگر کرزی صاحب به بیماری علاج ناپذیر مبتلا گردد ویا خدا (ج) نا خواسته از این دنیای بی وفا وفات نماید، مردم افغانستان چه خواهند کرد.

فکر می کنم در این زمینه از قانون اساسی تصویب شده در لویه جرگه نیز استفاده شده می تواند و آن این که اگر رئیس جمهور بنا بر عواملی که در قانون اساسی درج است از مقام خویش کنار رود در این صورت معاونان رئیس جمهور، رؤسای جرگه ها می توانند این خلا را تا انتخاب شدن رئیس جمهور پر نمایند ویا این که نمایندگان یا وکلای لویه جرگهٔ قانون اساسی یا دیگر نمایندگان مردم به خاطر تعیین رئیس جمهور موقت فراخوانده شوند.

از کرزی صاحب توقع می رفت که برای عملی نمودن دموکراسی در افغانستان راه را هموار سازد، اما او خلاف توقع مردم افغانستان بیرق ضد دموکراسی را بلند نموده

و لایحه یا قانون جدید انتخابات که در آن شرایط کاندیدا شدن به ریاست جمهوری نیز درج گردیده است چندین بار از طرف آقای حامد کرزی به خاطر اصلاحات و تغییرات به نفع خود و به وجود آوردن موانع به کاندیداهای دیگر، برده شده ورد گردیده است که به این ترتیب از یک طرف استفادهٔ نا مشروع از مقام دولتی خویش را به ثبوت می رساند و از سوی دیگر بی طرفی و استقلال کمیسیون مشترک انتخابات را زیر سوال می برد. آقای کرزی در این مورد موضع عجیبی گرفته است که در عین قضیه هم مدعی است و هم قاضی.

من به این عقیده هستم که انتخابات دموکراتیک به استثنای آقای حامد کرزی به نفع همهٔ ماست یعنی هم به نفع مردم افغانستان و هم به نفع جامعهٔ بین المللی. و در به میان آوردن صلح و امنیت و ترقی تنها شخصی می تواند نقش بهتر و مفید تر ایفا نماید که از طریق انتخابات آزاد، دموکراتیک و عادلانه به مقام ریاست جمهوری تعیین گردد.

آقای کرزی همین اکنون به این ویا آن بهانه در کمپاین تبلیغاتی خویش به برخی از ولایات کشور سفر نموده از امکانات و مقام عالی دولتی خویش به نفع خود استفاده می نماید و آیا این فریب دادن مردم افغانستان نیست که آقای کرزی در یک دست بیرق انتخابات آزاد و دموکراتیک را بلند نموده و در دست دیگر بیرق حفظ عالی ترین مقام قدرت دولتی و صلاحیت مکافات و مجازات را برای خود، بر افراشته نگهداشته است؟

این همان چیزی است که مردم ستمدیده ولی شجاع افغانستان هیچ گاه آن را فراموش نخواهند کرد و هر گاه این ارزش های قانونی و منطقی بازهم مورد تعرض واقع شود، و در جریان انتخابات ریاست جمهوری و پارلمانی، آقای حامد کرزی به حیث رئیس جمهور باقی بماند این مصارف گزاف اقتصادی و تحمل رنج ها نقش بر آب خواهد شد که در آن صورت این انتخابات نه دموکراتیک، نه قانونی و نه منصفانه خواهد بود.

آرزوی مردم افغانستان این است که پروسهٔ انتخابات دموکراتیک، باید در نطقه خنثی نگردد و در

از کرزی صاحب توقع می رفت که برای عملی نمودن دموکراسی در افغانستان راه را هموار سازد، اما او خلاف توقع مردم افغانستان بیرق ضد دموکراسی را بلند نموده

این رابطه باید "یوناما" از مسؤولیتی که متوجه ی است شانه خالی نکند و آقای حامد کرزی را به استعفا مجبور نماید و اگر کرزی مستعفی نگردد مسؤولیت بی نظمی ها و حوادث ناگوار و غیر قابل پیشبینی که از سبب عدم استعفای وی به میان خواهد آمد به دوش حامد کرزی و "یوناما" خواهد بود.

لیسهٔ خاتم الأنبیای پشغور وکانون فرهنگی اتفاق گشایش یافت

مکتب متوسطهٔ خاتم الأنبیای حصهٔ اول پنجشیر که در اثر کوشش های استادان وموی سفیدان آن منطقه وتوجه وزارت معارف دولت انتقالی اسلامی افغانستان در اواخر سال گذشته به لیسه ارتقا کرده بود، روز دوشنبه گذشته مؤرخ ۲۸ثور سال جاری، یکجا باکانون فرهنگی اتفاق که در جوار همان مکتب موقعیت دارد، طی



گردهمایی ویژه گشایش یافت.

گفتنی است که در لیسهٔ خاتم الأنبیا همین اکنون به تعداد بیشر از یازده صد نفر دانش اموز مصروف فراگیری دانش است، و در جوکات کانون فرهنگی اتفاق کتابخانه یی خوب نیز تأسیس شده است که باکتب علمی، تحقیقی، تاریخی، اجتماعی و ... مجهز بوده وهمه روزه به روی علاقه مندان واهل مطالعه باز می باشد.

په بندیخانو کی باید دنړیوالو میثاقونو او . . .

موږ نن وینو چی ددغو دوارو نړیوالو میثاقونو په وړاندی هم په ملی سطحه او هم په نړیواله سطحه سرغړونی روانی دی او دغه راز سرغړونی بیا زیاتره دښکیلاکګرو هیوادو دپوځی ځواکونو له خوا سرته رسیږی او له خپلو جنګی بندیانو سره د زور، تیری شکنجی او داسی نورو غیر انسانی لارو چارو څخه کار اخلی چی دبشر دحقوقو او هغی نړیوالی اعلامیی سره تضاد لری چی په ۱۹۸۲ عیسوی کال کی له جنګی بندیانو سره دشکنجی او زور زیاتی هر ډول چلند په کی منع شوی دی

که نن موږ په عراق کی دامریکا دمتحده ایالاتو او انګلستان داشغالګرو ځواکونو کړو وړوته نظر وکړو او دجنګی بندیانو په وړاندی روان بهیرو ځیرو چی په خپله دامریکا او لندن دمطبوعاتی رسنیو له خوا وخت په وخت افشاء کیږی نو دا به راته څرګنده شی چی دوی په دی برخه کی نړیوال میثاقونه تر پښو لاندی کړی او د بندیانو په وړاندی د زور ظلم له هغو لارو چارو څخه کار اخلی لکه هټلری نازیزم چی تری کار اخیسته.

دعراق اوافغانستان دبندیخانو او بندیانو په باب چی دملګرو ملتو دسازمان له خوا کومه اعلامیه صادره شوی او په هغی کی دامریکایانو او انګریزانو دغه راز چلند غندل شوی دا اندیښنه هم څرګنده شوی ده چی په افغانستان کی د ائتلافی ځواکونو ترلاس لاندی بندیخانو کی هم دغه راز حالت دوام لری او دا دزیاتی اندیښنی وړ دی دغه راز اندیښنه هغه وخت زیاته شوه چی د سید نبی صدیقی په نامه دپولیسو یو افسر چی په ګردیز کی نیول شوی و او (۴۰) ورځی امریکایانو دبګرام په بندیخانه کی اچولی و هغه په خپلو اعترافاتو ک په ډاګه څرګنده کړی ده چی هغه ته دبګرام په بندیخانه کی جسمی او جنسی ازار ورکول شوی. دی وائی امریکایان خپل بندیان په دوبی کی په توده خونه او لمر کی ساتی او په ژمی ئی له کوټی نه بهر سړی هوا ته دروی کالی ئی باسی وهل ټکول ورکوی. خوب ته ئی نه پریږدی او له ټولو نه ډیره شرمونکی جزا دا ده چی جنسی تیری پری کوی. ده په خپل خان او میرمنی ئی هم ددغه راز تیری تائید کړی دی.

دامریکانی او انګریزی اطلاعاتی منابعو په حواله په عراق کی ددغه راز تیریو زیات شمیر عکسونه دامریکا کنګری ته هم رسیدلی او دکنګری دبرخه والو له خوا پری ژوره اندیښنه څرګنده شوی او هغه ئی په عراق کی امریکا د روانی پالیسی یوه ناکامی بللی ده. که څه هم چی د متحده ایالاتو جمهور رئیس ښاغلی جورج دبلیو بوش ددغه راز تیری په وړاندی خپله ژوره اندیښنه نه ده ښوولی او زیاته کړی ئی ده چی دا دځوانو سرغړونکو کار دی چی دامریکا دحکومت نماینده ګی نشی کولای خو ددغه راز استدلال نه دامریکا دپارلمان او خلکو له



د ابو غریب زندان عکس د CBS له سایت څخه

پاره او نه دنړیوالی سولی او دعراق دمسلمانو خلکو له پاره د قدمت وړ دی

اسلامی ټولنه حسنه ملی دود او اخلاق لری. کله چی دهغوی معنویت ته تاوان رسیږی او په معتقدو دینی او اخلاقی ارزښتونو ئی تیری کیږی ددغه راز تیری په هیڅ ډول دزغم او منلو وړ نه بلل کیږی

موږ دائتلافی ځواکونو ترلاس لاندی بندیخانو کی دبشر دحقوقو دنړیوال کمیسیون او همدارنګه دسیمه ییزو کمیسیونونو داتینکار چی ځو ځو حله نی د ائتلافی ځواکونو څخه دهغوی د ترلاس لاندی بندیخانو دلیدلو او څارلو غوښتنه کړی تاییدوو او هیله من یوو چی د افغانستان په بندیخانو کی دټولو افغانی بندیانو د شمیر، دهغوی دژوند د شرایطو، د هغوی سره دبهرنیانو د قانونی چال چلند او دهغوی دبشری انسانی حقوقو د تامین په باب پوره معلومات افغانی ټولنی ته وړاندی شی

همدارنګه زمونږ دټولو افغانانو داګډه هیله ده چی زمونږ په هیواد کی ائتلافی ځواکونه چی اوس د ترهګرو او القاعدی په وړاندی دمبارزی په خاطر زمونږ ترڅنګ ولاړ دی په حینو مشکوکو سیمو باندی دبمباری او دهغو سیمو دمشکوکو خلکو دنیولو په ترڅ کی زمونږ ددفاع وزارت او کورنیو چارو وزارت اړوند لوړ رتبه چارواکی او اطلاعاتی موظفین دموضوع په څرنګوالی خبر کړی او هڅه وشی چی زمونږ ملکی خلک لکه مخکی چی هم څو ځو خله په ډله ییزه توګه په کلیو کی بمباری سوی او وژل شوی دی له دغه راز ساوړین څخه وژغورل شی او یواځی هغه کسان په جیل کی وستل شی چی دهغوی بشپړه پیژندنه وشی او ثابته شی چی دالقاعدة او یا نورو ترهګرو کړیو سره اړیکه لری

چندحرف پیرامون دو غزل رفعت

سهراب پرند

به نام خداوند

درمیان شاعران جوان افغانستان، کمتر شاعری را سراغ دارم، که به سلاست و روانی رفعت غزل بگوید. شاید این قضاوت و داوری برخی ها را خوش نیاید ولی با تأسف که چنین است.

رفعت، یک برتری دیگر نیز دارد وآن این است که او بیشتر از همگنانش از رمز و رازهای قافیه و وزن آگاهی دارد واین امر شاید او را در غزل سرایی بیشتر قادر ساخته است.

من در آخرین بررسی یی که از مجموعهٔ تازهٔ رفعت کردم، به این نکته پی بردم که غزل رفعت باهمه زیبایی هایش بی تکلف وبه دور از هرگونه آرایش های تصنعی می باشد.

قصدم نقد ومرور کلی از غزل های مجموعهٔ تازهٔ رفعت نیست، من از میان همهٔ غزلیات موجود در کتاب«کنار خیابان» به دو غزل اشارهٔ مختصر می کنم که در آن ها دو میزه و دو سبک مشخص را می شناسم.

رفعتی که متین واستوار در پویهٔ ادب وشعر معاصر فارسی قدم می زند وغزل می سراید باهمان استواری ومتانت در سبک هندی نیز طبع آزمایی می کند.

دو نمونه غزل از رفعت می آورم. در این دو غزل تمام فراز وفرودهای هر دو سبک هندی ومعاصر را می توان دید، هرچند پیچیدگی ها وتعقیدهای اغراق آمیز سبک هندی در نمونهٔ غزل و به حد لازم آن نیست ولی می توان دید که رفعت چه سان در هر دو سبک طی طریق می کند:

جهان ما همین زیر وبم آهنگ بدمستیست
توهم چندی به ساز زندگی رقصیده بیرون آی

و در نمونه یی از غزل معاصر، زیبایی می بینم که در شعر کمتر شاعری از قماش رفعت دیده ام:

رساندیم خود را زچشمت به قلبت
سلامت که دریا به ساحل گذشتیم.

قرینهٔ زیبایی میان دریا وچشم وجود دارد، رفعت با ظرافت نابی قلب را که مکان تلاطم احساس وعاطفهٔ آدمی است، هنگام حلول در آن، آسایش و آرامش می دهد وآن را به ساحل شبیه می کند.

اینک دو غزل مورد بحث را در زیر بخوانید:

آزادگی

بساط آرزو از شهر دل برچیده بیرون آی
به وغم حرص، طومار هوس پیچیده بیرون آی
به رنگی سعی کن کایی بدر از دیدهٔ هستی
به بیداری اگر ممکن نشد، خوابیده بیرون آی
نکردید از سرایِ آز چیزی دستگیر، اکنون
به انگشت تحسر پشت سرخاریده بیرون آی
نمی بینم به چشم التفات دهر بنیادی
چو اشک از دیدهٔ تنگ جهان لغزیده بیرون آی
مقیم غفلت اباد دیار تن چرا باشی
سراغ خویش را از خویشتن پرسیده بیرون آی
جهان ما همین زیر وبم آهنگ بدمستیست
توهم چندی به ساز زندگی رقصیده بیرون آی
نمی گویم که نادان باش یا علامهٔ دوران
کمی از مکتب دیوانگی فهمیده بیرون آی
به تحسین عوام این قدر نازیدن چرا رفعت
به جای ناز، از بزم سخن نالیده بیرون آی

قصد جان

به قصد تو از جان واز دل گذشتیم
چه آهسته منزل به منزل گذشتیم
رساندیم خود راز چشمت به قلبت
سلامت ز دریا به ساحل گذشتیم
ز راهی که دل رفته بود اشکباران
پس از سالها پای در گل گذشتیم
کمی یار نگذشت از آنچه گفتم
خود از هرچه میخواست کامل گذشتیم
دل از خونبها گر گذشتست، ماهم
زکس پس نمانده زقاتل گذشتیم
چه آسان گذشتند از آبرو خلق
ندانم چرا ما به مشکل گذشتیم
به ملک عدم بوده آسودگی، حیف
که غافل رسیدیم وغافل گذشتیم
چو رفعت به کوی جنون از در عقل
گذشتیم وبسیار عاقل گذشتیم

شمع

احسان الله سباوون

شمعی دی دحسن د ژړا لمنه ونیوه
ستا یاقوتی او ښکوته چی ما لمنه ونیوه
حسن و ځوانی وه پرښتی او حوری ګډی و
وګوره تقدیر ته چی می ستا لمنه ونیوه
مینه وه محفل و دساقی میخانه ګرمه وه
دا پوښتنه نه وه چا دچا لمنه ونیوه
ما ته می تو به کړه دثواب او ګناه سوال نه و
ځکه می ناصحه داشنا لمنه ونیوه
جوړ جهان دمینی و دحسن ډیوی بلی وی
چا دمیکدی چا دلیلا لمنه ونیوه
چا شونډی زبیښلی چا د زلفو سره لوبی کړی
چا دشیخ زاهد چا دملا لمنه ونیوه
څوک تری ارمانجن لاړو خواشینی په ژړا شولو
چا په کی دچور او د تالا لمنه ونیوه
ما ته ښه ښکاره نه شوه چی خلکوته می وکتل
خو د می سباوونه دحیا لمنه ونیوه

زه ئی پیژنم

استاد ګل باچا الفت

زه یی پیژنم شاعر دی بل څوک نه دی
چی دا لوی جهان وړوکی ورته ښکاری
دوریښمو او زربفو ښایسته ټوکی
د نادان په تن زړو کی ورته ښکاری
طوفانی دریاب ګنی دمظلوم اوښکی
د دنیا بحر ډنډوکی ورته ښکاری
چی خپل نفس نه شی وژلی که بل وژنی
ناتوانه ویردونکی ورته ښکاری
د دنیا فانی عیشونه نعمتونه
دسپی مخکی پروت هډوکی ورته ښکاری

آن گرز آتشین

بیرنگ کهدامنی

از پای وپویه ماندم و تومیدوانی ام
ای چرخ کینه جو، به کجا می کشانی ام
این سو برد به صبحم وآنسو کشد به شب
بربال بادهایم وبرگ خزانی ام
«من گنگ خوابیده وعالم تمام گر»
جانم به لب رسید از این بی زبانی ام
پیری خودش شکنجه کند بیگمان مرا
با درد ورنج وغصه سر آمد جوانی ام
در هر قدم به شانه کشم بار مرگ را
با این صلیب سرخ مسیحای ثانی ام
گل نیستم، گیاهم وبسیار هرزه ام
بیهوده میکنی به خدا باغبانی ام
آن دانه ام که سبز نگردم نه گل دهم
در شوره زار تلخ خدا میفشانی ام
بیرون خانه هیچ ندانی که کیستم
آیی اگر به میکده، آندم بدانی ام
ای آسمان کینه ور بی حیا بگو:
تاکی به خاک غربت وغم می نشانی ام
مرگ و دیار دوزخ وآن گرز آتشین
صدبار بهتر است از این زندگانی ام

طنز

ډاکتر صاحب له هديري نه ولي شرميږي؟

شاه محمود زيارمل

دوري دمياشتي څليرويشتمه نيټه وه دتيري مياشتي دمعاش څه اباسي ټنګه نه وه پاتي او دنوي کال دلومړي مياشتي راپورونه دبودجي دنشتوالي له امله دماليي په وزارت کي قيد و، کله چي لـه دفتر نـه کورته روان وم او خپلي کوڅي ته ورسيدم، ميرمن مي دانګړ په دروازه کي لوخه پوخه کيده او زما لارئي خارله، چي ورنژدي شوم او حال مي تري وپوښته په الوتي څيره، غمجن او له غريبه ډك اواز ئي راته وويل: ليلا ناجوړه ده، ژرشه چي ډاکتر ته ئي يوسو.

ددغه بدزيري لـه امله مي سدله سره والوت، دلوړ ناروغي له يوي خوا او دپيسو نشتوالي له بلي خوا هك پك کړي وم، ځکه خو وائي چي تشه لاسه ته مي دښمن ئي، زړه نازړه ديو دوست دوکان ته ورغلم، په خبره مي پوه کړ او پيسي مي تري واخيستي، کورته دناروغ پسي را روان وم چي په لاره مي دتيري مياشتي صحنه په ذهن کي را وګرځيده چي دهمدي ناروغي لـه کتني وروسته مي ډاکتر تـه پنځوسي افغاني دميز په سر کيښودي خو ډاکتر راته لومړي بدبد وليدل او وروسـته ئي راتـه وويـل: پنځوسي دي بيرتـه دړواخله، کوم سوالګر ته ئي ورکړه، زه ډاکتريم ډاکتر. زما فيس اتيا افغاني دي اتيا چي ما ته راخي نو فيس پوره راکوه...

د درملو له اخيستو ورسته کورته لاړم او کله مي چـي يـو دواساز دسيروم دتطبيق لـه پـاره راوغوښت هغـه لومړي، تولـه دوا ترسترګو وويسته له خولي نه ئي دتوبو باران جاري شو. توبـه خدايـه توبـه توبـه خدايـه توبـه... ماتري پوښتنه وکړه هلکه ډاکتر صاحب څه خبره ده چي داسي توبي باسي، موږ هم وپوهوه، هغه راتـه وويـل سليم کاکا داځيني درملتون والاخو لـه ييزيديانو هم بي رحمه دي تاسوته ئي درمل نه بلکي زهر درکړي زهر پوه شوي!

ماتري بيا پوښتنه وکړه وروره داخو تابليت او پيچکاري دي ته ورته زهر ولي وائي؟ هغه بيا په توبو پيل وکړ او زياته ئي کړه: هوکي کاکا جانه! تاسوته درمل ښکاري خو ماتـه وژونکي زهر، نـه پوهيږم چي ددغو ظالمانو دانصاف سترګي ولي دومره ړندي دي چي په زوره خلك وژني، ددوي او دهغو قـاتلانو څه توپير دي چي په لويه لارکي هم غلا کوي او هم خلك وژني.

زه د دواساز پـه دغـه راز خبرو پـوه نـه شـوم او يوځل بيا مي تري هيلـه وکړه پـه ډاګـه ووائي څـه خبره ده. هغـه راتـه وويـل ددغـي يـوي دوا څلور کاله ميعاد تير شوي او ددي بلي دوا دوه کالـه. هلـه ژرشـه دواړه ورتـه بيرتـه يوسـه او کـوم بـل درملتون ته ورشه.

د دواساز ملګري په سپارښتنه مي دواګاني بيرته په پلاستيکي کڅوړي کي واچولي او په بيړه له کوره ووتم خو په لاره کي دهغـه ډاکتر کيسـه ذهـن تـه راغلـه چي لـه هديري نـه بـه تيريده نو خپل مخ به ئي په څادر پټاوه او چا به چي تري پوښتنـه وکړه چي ډاکتر صاحب تاسو هميشـه دهديري لـه مريو نـه ولـي مخ پټوي؟

هغه به ورته وويل: که رښتيا راباندي وائي زه له دي مړيو نه سخت شرميږم او دا ځکه چي زياتره ئي همدا زما په معالجه او تاريخ تيرو درملو مړه شوي دي.

«وظیفه یی که(محمود) طرزی، در پیوند با آموزش وفرهنگ در افغانستان، برای خودش تعیین کرده بود، باکارنامه های پیرسیداحمد خان، بنیاد گذار اسلام نوگرا در هندوستان، مقایسه می توانست شد، پیرسیداحمدخان نیز، زنده گانیش را بر سر این گذاشت تاتعصب اسلامی را، در برابر تمدن باختر زمین ودگرگونی ها، از میان بردارد. از این گونه پندارها، در بارهء اسلام مدرن، در اندیشه های«ترکان جوان» نیز سراغ می شد. اما، در حالی که انگیزهٔ پیرسید احمد خان این بود تا در بین مسلمانان هندوستان وشهنشاهی بریتانیا گونه یی از آشتی پدید آورد ومسلمانان را به شهروندان وفادار آن شهنشاهی مبدل سازد وایشان را به همین گونه به انگریز ها جلوه دهد، (محمود) طرزی تجدد را همچون یگانه ابزاری می دانست که به مسلمانان این توانایی را می بخشید تا در برابر بریتانیا ایستاده گی کنند، از همین رو، طرزی در بینش ونگرش سیاسی، بیشتر از پان اسلامیزم(سیدجمال الدین) افغانی وجنبش«ترکان جوان» اثر برداشته بود، پس تصادفی نبود که چون در دورهء شاه امان الله، روند نوگرایی در افغانستان آغاز گردید، ترکیه درمیان کشورهای اسلامی، همچون یک نمونهء آرمانی شناخته می شد واز همین رو-برخلاف گذشته- کارشناسان ومشاوران، در بسیاری از بخش ها، از ترکیه به افغانستان آورده شدند تا از هندوستان.»

Asta Olesen: "Islam and Politics in Afghanistan

محمود طرزی

وفارسی ناب در افغانستان نود سال پیش

گفته اند که محمود طرزی بنیاد گذار روزنامه نگاری معاصر در افغانستان بوده است. این سخن را می شود با آسانی پذیرفت؛ زیرا او با انتشار«سراج الأخبار أفغانیه» در ماه میزان سال۱۲۹۰ هجری خورشیدی، در واقع، مقوله های روزنامه و روزنامه نگاری جدید را در کشور ما شناسانید.

برنبیاد یک روایت،«سراج الأخبار»- بانام«سراج الأخبار افغانستان»- بار نخست، در سال ۱۲۸۴ هجری خورشیدی، از سوی«انجمن سراج الأخبار» به مدیریت مولوی عبدالرؤوف خاکی قندهار، سرمدرس مدرسهٔ شاهی، در سی وشش صفحه، باخط نستعلیق خوش، به شیوهٔ چاپ سنگی، انتشار یافت. «سراج الأخبار افغانستان»، پس از چاپ همین یک شماره، بنا برانگیزه های نامعلومی؛ تعطیل شد واز نشر باز ماند. هرچند استاد عبدالحی حبیبی -ازقول بابا عبدالعزیز خان قندهاری- می گوید که مقامات هند بریتانیایی باچاپ آن ناسازگاری نشان دادند، برامیر حبیب الله فشار آوردند ومانع انتشار شماره های دیگر آن گردیدند.(۱)

«سراج الأخبار افغانستان» را می شود دومین نشریهٔ ادواری(۲) در افغانستان به شمار آورد. نخستین نشریهٔ ادواری؛ درسال۱۲۵۴هجری خورشیدی(۱۸۷۵میلادی)، درعهد امیرشیرعلی خان، در شهر کابل انتشار یافت که ماهانه، دو یا سه بار؛ در شانزده صفحه، به شیوهٔ چاپ سنگی ،به نشر می رسید (۳). نام این نشریه ، «شمس النهار» بود .

واما، «سراج الاخبار افغانیه» که تاشمارهٔ ششم سال هشتم چاپ شد، انتشار آن از ماه میزان سال ۱۲۹۰ هجری خورشیدی تاماه قوس سال ۱۲۹۷ دنباله پیدا کرد و در درازای این هفت سال ، حیثیت کانون مشروطه خواهان دوم را داشت و آزادی و تجدد خواهی را پشتیبانی و تبلیغ می کرد.

فرهنگ - به نقل از گریگوریان - می نویسد که«سراج الاخبارافغانیه» با استعمار سخت سر ستیزه داشت و از همین رو، ورود آن به قلمروهند بریتانیایی و سر زمین های تحت اشغال روسیهٔ تزاری ، ممنوع بو د (۴). حبیبی نیز ، در سال ۱۳۲۵ هجری خورشیدی ، در شهر سمرقند ، از زبان صدرالدین عینی شنیده بود که جوانان بخارا ، «سراج الاخبار افغانیه» را پنهانی می خواندند. زیرا گماشته گان امیر بخارا، خواننده گان این جریده را تعقیب وتنبیه می کردند (۵). حبیبی همچنان می افزاید که برپایهٔ اسناد محرمانهٔ محفوظ در آرشیف ملی هندوستان ، مقامات هند بریتانیایی ، ورود و پخش «سراج الاخبار افغانیه» را در آن سرزمین ممنوع کرده بودند (۶).

از روزنامه نگاری که بگذریم ، محمود طرزی رامی توان در چند زمینهٔ دیگر فرهنگی در افغانستان ، نیز پیشاهنگ و رهگشا دانست؛ از جمله :او مسالهٔ ساده نویسی را مطرح کرد و در این باب مقاله نوشت . او نیاز به ترجمهٔ کتاب های علمی باختر زمین را روشن ساخت و راه های عملی این کار را پیشنهاد نمود . او دربارهٔ رومان نویسی سخن گفت و خود ، برای بارنخست ، چند رمان نویسندهٔ فرانسه یی "ژول ورن"(۱۸۲۸-۱۹۰۵)ویک رمان نویسندهٔ دیگر فرانسه یی "گزاویه دومونیه پن"(۱۸۲۳-۱۹۰۲)را به زبان دری ترجمه کردوبه چاپ رسانید(۷).

او به زبان مردم و به زبان هاولهجه های گونه گون کشور مان توجه کرد و شاید برای نخستین بار - لهجهٔ هزاره گی را ثبت وضبط کرد (۸). او درسروده های خودش محتوای شعر را نیز دگرگون ساخت و واژه هایی چون برق؛ تیلگراف؛ ریل و...را هم وارد عرصهٔ شعر نمود و راه را برای نو آوری هاو نوجویی های آینده باز کرد. او نحستین نشریهٔ ویژهٔ کودکان را که «سراج اطفال» نام داشت درکشورما بنیاد نهاد . محمود طرزی ،به نهضت و جنبش زنان نیز ارجی بسیار می گذاشت . هنگامی که دامادش - امان الله - به پادشاهی رسید، همسرمحمود طرزی که «اسما » نام داشت و برادر زاده اش که «روح افزا» نامیده می شد،در نوروز سال ۱۳۰۰ هجری خورشیدی، جریدهٔ «ارشادالنسوان» را که ویژهٔ زنان بود ، انتشار دادند.

وبیگمان،نقش طرزی را دراین مهم ، نمی توان نادیده انگا شت

❋ ❋ ❋

محمود طرزی ، فرزند غلام محمدخان طرزی و نوادهٔ سردار رحمدل خان بود (۹).سردار رحمدل خان ،درسال ۱۲۷۵ هجری قمری ، درایران بمردودر نجف اشرف به خاک سپرده شد (۱۰). پدرمحمودطرزی ،سردارغلام محمد خان طرزی ، شاعری بود که درشیوهٔ هندی سخن نیکو می پرداخت و خط نستعلیق را خوش می نوشت . دیوانش که در حدود چار هزار بیت دارد،دردست است .

هنگامی که امیر عبدالرحمان خان به پادشاهی رسید، به مصادرهٔ دا راییی ها وتبعید غلام محمد خان طرزی به هندوستان، فرمان داد؛ زیرا غلام محمد خان، در کشمکش های میان عبدالرحمان و عموزاده اش- سردارمحمد ایوب خان -باایوب خان همنوایی نشان داده بود.

سردار غلام محمد خان طرزی ، همراه با خانواده اش، نخست به کویته و سپس به کراچی رفت . در این هنگام، محمود شانزده ساله بود . او چار سال را در کراچی سپری کرد و زبان اردو را فرا گرفت. بعد ازآن ، غلام محمد خان طرزی ، خانواده اش را نخست به بغداد و بعد ،به دمشق بردوهمان جا ماندگار شد. او در شهر استانبول ، با عبدالحمید دوم دیدارکردو کتاب «اخلاق حمیدی» را به نام او نوشت(۱۱).

محمود جوان، در درازای سال های اقامتش در دمشق، زبان های ترکی وعربی را آموخت ومقداری هم فرانسه یی یاد گرفت ونیز در زمینه های گونه گون اجتماعی وادبی وسیاسی، مطالعه کرد ودانش اندوخت. او به بسیاری از بخش های قلمرو گستردهٔ عثمانی سفرها کرد وبابزرگان ترک وعرب محشور گشت.

محمود طرزی، در همین سال ها، در شهر استانبول، به خدمت سید جمال الدین افغانی رسید ومدت هفت ماه را در صحبت او به سر برد. طرزی، پسانترها، در این باره نوشت:«علامه سیدجمال الدین یک معدن عرفان بود(...) مباحث علمیه، حکمیه، فلسفیه، سیاسیه، اجتماعیه وغیره که هر روز در محفل بزم آن علامهٔ دهر جریان می یافت، هرجمله وعبارهٔ آن، کتاب ها(و) رساله ها تحریر به کار دارد(۱۲).

غلام محمدخان طرزی در دمشق در گذشت ومحمود طرزی، در سال۱۲۸۰ هجری خورشیدی- پس از مرگ عبدالرحمان خان- به کابل آمد ونُه ماه را در این شهر سپری کرد. جانشین امیر عبدالرحمان- امیرحبیب الله خان- از طرزی خواست که برای همیشه به کشور برگردد. از این رو، محمود طرزی واپس به دمشق رفت وخانواده اش را به کابل باز آورد.

پس از چندی، دو دختر محمود طرزی، به همسری دو شهزادهٔ افغانستان- شهزاده امان الله وشهزاده عنایت الله- در آمدند. پس از کشته شدن امیر حبیب الله، در زمستان سال۱۲۹۷ هجری خورشیدی، ثریا دختر محمود طرزی، شهبانوی افغانستان شد و او نخستین زنی بود که بدون حجاب سنتی، در انظار نمایان گشت. در سفری هم که شاه و شهبانوی افغانستان، در زمستان سال۱۳۰۶ وبهار سال۱۳۰۷هجری خورشیدی، به اروپا، مصر، ترکیه وایران داشتند، بازهم ملکه ثریا بدون حجاب سنتی و در جامه های اروپایی، شاه امان الله را همراهی می کرد.

ادامه دارد

رویکردها:

۱- عبدالحی حبیبی، «جنبش مشروطیت در افغانستان»، سازمان مهاجرین مسلمان افغانستان، محل چاپ(؟)، ۱۳۷۷، ص۸.

در این آخرها، برخی از پژوهشگران، چاپ ونشر این یگانه شمارهٔ«سراج الأخبار افغانستان» را، بانگاه شک وتردید نگریسته اند. یکی از خامه زنان در این باب، چنین داوری کرده است:«در دم حاضر... چاپ جریدهٔ«سراج الأخبار افغانستان» را، در دههٔ اول زمامداری امیرحبیب الله خان... نه رد باید کرد نه قبول. موضوع را می گذاریم به زمان...» برای دریافت تفصیل این شک وتردید، دیده شود: پوهاند سید سعد الدین هاشمی،«جنبش مشروطه خواهی در افغانستان»، شورای فرهنگی افغانستان، چاپ دوم، استوکهولم، سویدن،۱۳۸۰، ص ص۲۱۸-۲۲۴، ونیز دیده شود: پویا فاریابی،«از دستاوردها تا دستبردها ...»، نقد وآرمان، ش۱۰-۱۱، ویرجنیا، ص۲۰ واما، سندی که پوهاند هاشمی در کتاب خودش (ص۲۲۷) ارائه کرده است، به این شک وبدگمانی پایان می دهد. این سند که در«اندیا آفیس» لندن موجود است، بیخی روشن می سازد که استاد حبیبی درست گفته اند وچنین شماره ایی از«سراج الأخبار افغانستان»، واقعاً، در سال ۱۲۸۴ هجری خورشیدی(۱۹۰۹میلادی) به چاپ رسیده بود. و این ، تقریباً، دوسال پیش از انتشار«صور اسرافیل» درتهران بود.

۲- Periodical. در افغانستان، واژهٔ«موقت» و«موقوته» نیز به حیث بدیل وهمتای این واژهٔ فرنگی به کار رفته است.

۳- میرغلام محمد غبار،«افغانستان درمسیر تاریخ»، جلد اول، مؤسسهٔ چاپ کتاب، کابل،۱۳۴۶، ص۵۹۵. در بارهٔ سال نشر«شمس النهار» اختلاف موجود است. بدین معنی که سال های۱۸۶۹(پوهاند رسول رهین)۱۸۷۳(فرهنگ)، ۱۸۷۵(غبار) و۱۸۷۸(پویا فاریابی) را نخستین سال انتشار این جریده یاد کرده اند.(سیدسعدالدین هاشمی، «جنبش مشروطه خواهی در افغانستان»، ص۲۰۵).

۴- میرمحمدصدیق فرهنگ، «افغانستان در پنج قرن اخیر»، مؤسسهٔ مطبوعاتی اسماعیلیان، قم،۱۳۷۱، جلد اول، قسمت دوم، ص۴۸۴.

۵- حبیبی، ص۱۲۶. من درجای دیگری نشان داده ام که استاد حبیبی، در ذکر سال مسافرت شان به اوزبیکستان، اشتباه کرده اند واین مسافرت بایستی در زمستان۱۳۲۴ صورت گرفته باشد، برای تفصیل ماجرا، دیده شود: رهنورد زریاب،«شمعی در شبستانی»، مرکز نشراتی آرش، پیشاور،۱۳۸۰، ص ص ۳۱-۳۲.

۶- حبیبی، همان جا.

۷- شاید نتوان همه ترجمه های طرزی را ترجمه های دقیق ومعتبری دانست. خامه زن تاجیک، جلال اکرامی، در این باب اشارتی باارزش دارد(دیده شود: جلال اکرامی،«ترجمه وادبیات ملی»، گزارش جریانات سیمینار ترجمه، چاپ پروژهٔ نصاب تعلیمی، کابل،۱۳۴۵، ص۲۴۳) واز جمله، می گوید:«استاد(محمود طرزی) ... هرجا که تفصیلات علمی وتکست مشکل آمده، پرتافته فقط مضمون حکایت را داده است.» بااین همه، معلوم نیست که این بخش های پرتافته شده در اصل متن ترکی- که طرزی از این زبان ترجمه می کرد- وجود نداشته اند یا این حذف وپرتافتن، کار خود محمود بیگ بوده است. واما، در نظر باید داشت که او آغاز گر وپیشاهنگ دلیر وپرشوری بود و در راه بسیار ناهمواری گام برمی داشت.

۸- در شمارهٔ هشتم سال هفتم«سراج الأخبار»، هنگامی که در بارهٔ«اشعار ملی» سخن می گوید، این سروده را-که به لهجهٔ هزاره گی است- نیز همچون نمونه ومثال می آورد:

ای خدا، سینهٔ موقا قروت شده دق دق موکنه
ناظر از ما طلب مال به ناحق موکنه
موصلانش زسرقار وغضب آمده بود
غر زده، فش زده واوقره ره ابلق موکنه
موگونش روغون صاف وجو وگندم ندوروم
موگه غلغل تو نکو، بوزک تو بق بق موکنه

۹- ظاهراً - مقصود طرزی از " اشعار ملی" سروده ای مردمی یا فولکلوریک بوده است.

۱۰- خودش در این مورد می گوید:«سردار غلام محمدمتخلص به طرزی افغان بن سردار رحمدل خان بن سردار پاینده خان(سراج الأخبار، شمارهٔ هشتم، سال هفتم).

۱۱- حبیبی، ص۱۰۸.

۱۲- دانشنامهٔ ادب فارسی،«ادب فارسی در افغانستان»، وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی، تهران،۱۳۷۸، زیر واژهٔ«طرزی».

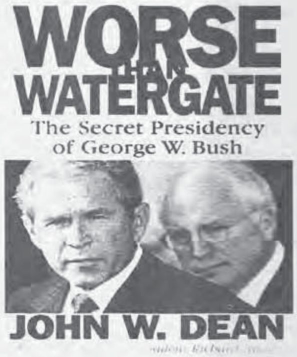
رقابت انتخاباتی در امریکا و افشای رازها

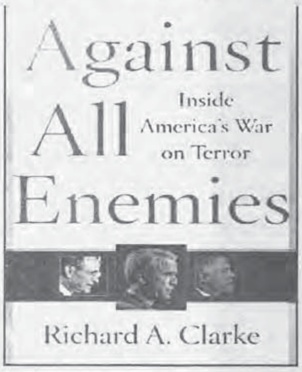
ابوبکر سبزوار

هر قدر زمان انتخابات ریاست جمهوری در امریکا نزدیک تر می شود، مبارزات انتخاباتی میان دو حزب؛ دموکرات و جمهوری خواه کسب شدت می نماید. چنین به نظر می رسد که حوادث عراق نقشی تعیین کننده در جلب حمایت و رأی مردم برای طرفین این رقابت خواهد داشت.

در امریکا که آزادی بیان به صورت کامل وجود دارد، رسانه های همگانی در تحت تأثیر قرار دادن ذهنیت ها در میان مردم نقش بسیار اساسی بعهده دارند. مردم نه تنها روزنامه می خوانند و یا از طریق تلویزیون و یا انترنت در جریان آخرین اخبار قرار می گیرند، بلکه کتاب هایی متعدد نیز در رابطه به جریانات مهم روز به چاپ می رسد و با استقبال مردم مواجه می گردد.

یکی از بحث های عمده که از طرف دموکرات ها علیه جمهوری خوهان به راه





انداخته شده این است که رئیس جمهور بوش برای حمله به عراق به مردم امریکا دلایلی را عنوان کرد که با واقعیت های داخل عراق همخوانی نداشت. یکی از مهمترین این دلایل یافتن و از میان بردن سلاحهای کشتار جمعی عراق بود.

جمهوری خواهان قصر سفید را متهم می کنند که در برابر کنگره، اسناد غیر واقعی از سلاحهای کشتار جمعی را به نمایش گذاشته است. از جمله گفته می شود که تصاویر ماهواره یی از موتر های اطفائیه که برای خاموش ساختن حریق مورد استفاده قرار می گیرد بعنوان سلاح مخرب کشتار جمعی عراق نشان داده شد و یا تصاویری که سالها قبل در جریان جنگ ایران و عراق گرفته شده بود بعنوان اسناد تازه ارائه گردیده است.

رئیس جمهور بوش در ۲۸جنوری ۲۰۰۳ در سخنرانی اش در بارهٔ متحدان آمریکا گفته بود که عراق پنجصد تن اکساید اورانیوم از نایجریا خریداری می کند تا در تولید سلاح اتمی به کار گیرد. کالن پاول نیز مدارکی در همین رابطه به سازمان ملل متحد ارائه کرد. تمام این اتهامات در۷ مارچ فرو ریخت، محمد البرادعی رئیس آژانس بین المللی انرژی اتمی اعلام کرد که این اسناد از سر تا پا جعلی بوده، ساخته و پرداختهٔ سازمانهای جاسوسی انگلستان است که از ۱۹۹۷ مشغول جعل مدرک در مورد عراق هستند.

از جمله کسانی که در این مورد کتابی به رشتهٔ تحریر در آورده "باب ودورد" روزنامه نگار مشهوری است که برای روزنامهٔ واشنگتن پوست کار می کند. ودورد همان روزنامه نگاری است که همراه با همکارش "کارن برنستین" با نوشتن کتاب «تمام مردان رئیس جمهور» پرده از افتضاح سیاسی واترگیت در دههٔهفتاد میلادی برداشت که به استعفای رئیس جمهور آن وقت امریکا منجر گردید. در ماجرای واترگیت وی به افشای راز سرقت اسناد حزب دموکرات به وسیلهٔ جمهوری خواهان و نصب میکروفون غرض استراق سمع در محل جلسات حزب دموکرات توسط آنان، از جریاناتی پرده برداشت که اینک ثبت تاریخ امریکا شده است. او بیش از دوسال قبل کتاب مستند دیگری به نام «بوش در جنگ» نوشت که بخشی از آن در مورد حمله به افغانستان و سقوط طالبان است.

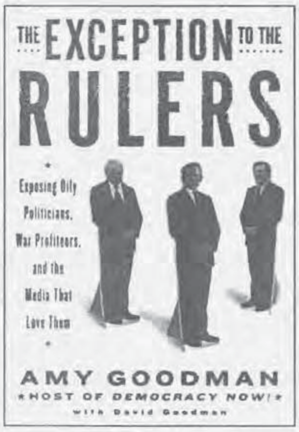
در کتاب، شرحی مستند از حملهٔ امریکا به عراق و اشغال این کشور است. در این کتاب آمده است که چگونه جورج دبلیو بوش طرح حمله به عراق را ریخت و هفتصد میلیون دلار از بودجهٔ اختصاص داده شده به جنگ افغانستان را بدون مشورت با کنگرهٔ امریکا مخفیانه به مصارف حمله به عراق اختصاص داد.

در این کتاب همچنان فاش شده است که شهزاده بندر بن عبدالعزیز سفیر عربستان سعودی در امریکا که با خانوادهٔ بوش روابط نزدیک دارد وعده داده است که عربستان سعودی در آستانهٔ انتخابات ریاست جمهوری امریکا قیمت نفت را کاهش خواهد داد تا امریکایی ها به بوش رأی بدهند.

کتاب دیگری که به افشای راز های پشت پردهٔ حملهٔ امریکا به عراق پرداخته است کتاب «استثنا برای زمامداران» نام دارد که دو برادر به نام های امی گودمن و دیوید گودمن نوشته اند.

در این کتاب نیز اسناد و مدارک مستندی ارائه شده است، که در مجموع خود افشاگری هایی مهم علیه دستگاه زمامداری آمریکا به حساب می آیند.

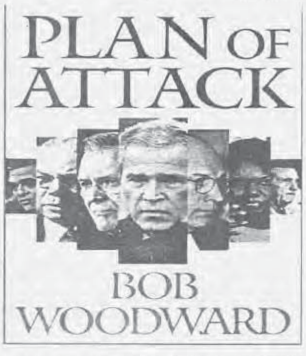
کتاب دیگری که بازهم به موضوع جنگ عراق و راز های پشت پردهٔ آن پرداخته است کتاب «بدتر از واترگیت» بقلم جان دین مشاور سابق ریچارد نیکسون است. نویسنده می خواهد ثابت کند که آنچه که امروز در قصر سفید می گذرد بد تر از ماجرای واترگیت است



که به استعفای نکسن از ریاست جمهوری منجر گردید.

و بالاخره کتاب «در برابر همه دشمنان» اثر ریچارد کلارک روایتی از وقایع پشت پردهٔ جنگ علیه تروریسم است.

این کتاب ها بخشی از مبارزات تبلیغاتی به منظور تقویت موقف دموکرات ها در میان مردم



امریکاست. مردم از این کتاب ها استقبال فراوان کرده اند و این نشان می دهد که جنگ عراق در مبارزات انتخاباتی از اهمیت قاطع برخوردار است و دموکراتها امیدوارند تا از آن به نفع خود بهره گیرند اما باید گفت که در انتخابات امریکا فکتور های مهم دیگری هم وجود دارد که در پیروزی هریک از طرفین از نقش عمده و اساسی برخوردار است. ممکن است که چند روز قبل از انتخابات ماجرایی پیش آید که یکسره همهٔ پیشبینی های قبلی را تغییر دهد

آیا افغانستان از روسیه ...

و از این ناحیه (شرکت درجنگ) احساس گناه می کنم. من یک شخص نظامی بودم و هستم. موقعی که در افغانستان بودم اوامر حکومت مرکزی را تطبیق می کردم.

رئیس هیأت مجاهدان، استاد ربانی طی سخنانی گفت:

.... تغییرات اخیری که به وسیلهٔ آقای بوریس یلتسین صورت گرفته مورد تایید ماست؛ این حرف آقای یلتسین را که (ما حمله به افغانستان را تقبیح می کنیم) تقدیر می نماییم.

سید رحمت الله مرتضوی یکی ازاعضای هیأت مجاهدان گفت: افغانستان و اتحاد شوروی دوستان خوبی بودند و اشتباهاتی که از طرف رهبری سابق شوروی به میان آمده، رهبران جدید باید آن را جبران کنند تا حسن همجواری قایم شود.

آیت الله محسنی در سخنان خویش خطاب به معاون رئیس جمهور روسیه گفت:

شما می گویید که رژیم فعلی روسیه مسؤولیت جنایات برژنف را بعهده ندارد، درحالی که روسیه بزرگترین جمهوری در شوروی است و در همه جنایات شوروی شریک بوده است، به طور نمونه خود شما در جنگ افغانستان حضور داشتید که فعلا ناراحت هستید.

مادهٔ اول اعلامیهٔ مشترک که پس از سفر هیأت مجاهدان به ماسکو به نشر رسید دستور لشکر کشی به افغانستان را که موجب رنج ها و درد هایی بیشمار به ملت افغانستان شده است بعنوان یک عمل غیر قانونی تقبیح نمود و در مادهٔ هفت آن روسها تعهد خود مبنی بر سهم گیری در اعمار مجدد ویرانی های ناشی از جنگ را ابراز نمودند. (کتاب مجاهدین در ماسکو- گزارشی از ف فاضل و وثیق)

در شرایطی که هنوز رژیم تحت الحمایهٔ روسها در کابل بر اریکهٔ قدرت قرار داشت، روسها در مذاکره با مجاهدین، خود تجاوز شوروی به افغانستان را تقبیح نموده اند و سازمان ملل متحد نیز در طول ده سال اشغال افغانستان هر سال با اکثریت قاطع تجاوز شوروی به این کشور را بعنوان یک اقدام غیرقانونی و مغایر با میثاق های بین المللی تقبیح نمودند. در طول آن ده سال، در هر جلسهٔ اسامبلهٔ سازمان ملل متحد اکثریت کشور های جهان خواستار خروج ارتش سرخ از افغانستان بودند. پس از فروپاشی اتحاد شوروی، استدلال مجاهدین این بود که روسیه بعنوان وارث اتحاد شوروی از امتیازات اتحاد شوروی در سطح بین المللی چون حق وتو در سازمان ملل برخوردار است بنابراین باید جبران کنندهٔ اشتباهات اتحاد شوروی نیز باشد اما جنگ های داخلی پس از پیروزی مجاهدان مانع از مطرح شدن این حق مشروع افغانها گردید.

در حالی که فداراسیون روسیه تجاوز به افغانستان را اشتباه رژیم سابق آن کشور دانسته و خود را در آن سهیم نمی داند، با چه دلیلی در قرضه های آن رژیم به افغانستان، خود را ذیحق و شریک می شمارد. آیا این ادعا که من در اقدامات غلط و اشتباهات اتحاد شوروی شریک نبودم ولی در عواید آن دوران سهیم هستم خنده دار نیست؟

از جانب دیگر قرضه هایی که اتحاد شوروی سابق به افغانستان پرداخته بود، نه به دلار بلکه به روبل بود. آنها قیمت یک روبل را در آن زمان بیشتر از یک دلار محاسبه می کردند درحالی که ارزش واقعی روبل به مراتب پایین تر از ارزش دلار بود که در بازار سیاه در داخل روسیه تبادله می شد. رقم ۱۱/۵میلیارد دلاری که روسها ادعا دارند، هرگز یک رقم واقعی نیست.

این که امروز روسها مسألهٔ باز پرداخت قروض خود را مطرح می کنند به خاطر آن است، که موضوع جبران خسارات ناشی از تجاوز آنان بر افغانستان در هیاهوی برخاسته از این کشمکش پنهان گردد. آنها از مجموع قروض ادعایی خویش فقط خواهان بیست در صد یعنی چیزی در حدود دو میلیارد دلار اند. اگر دولت افغانستان فقط یک دلار به روسیه بعنوان باز پرداخت قرض این کشور بپردازد، روسها برای ابد از تجاوز به افغانستان برائت خواهند گرفت. این کار را ملت هرگز نخواهد پذیرفت و کسی را که به چنین خواست روسها صحه بگذارد نیز نخواهند بخشید.

کنفرانس همکاری های اقتصادی منطقه ...

دورنمای همکاری منطقه یی با افغانستان وامکانات وظرفیت های موجود در منطقه گفت:

آسیای میانه منابع بزرگ آب، انرژی، فلزات وشبکهٔ وسیع خطوط راه آهن را در اختیار دارد. بنا براین امکانات زیاد همکاری با افغانستان در آسیای میانه وجود دارد و براساس این ظرفیت ها، اجرای طرح هایی متعدد در زمینهٔ انرژی، ساختمان، کشاورزی، راه سازی وافتتاح کارخانه های مشترک در افغانستان وجود دارد که در صورت همکاری سازمان ملل وجامعهٔ جهانی می تواند تحقق یابد.

عسکر آقایوف به این امر تأکید کرد که این کنفرانس به بهترین شیوهٔ ممکن خواهد توانست در جهت تلاش جامعهٔ جهانی برای احیای افغانستان بعد از جنگ وتسریع بازسازی وجستجوی راه های عملی همکاری منطقه یی نقش سازنده ومثمر داشته باشد.

آقای ماکس براون(Max Brawn) رئیس برنامهٔ توسعهٔ سازمان ملل، سخنران دیگر این اجلاس، گفت: برای جامعهٔ جهانی آرامش تمام منطقه اهمیت دارد واستفادهٔ مؤثر از منابع عظیم نفت، گاز وانرژی کشورهای منطقه در گرو توسعه وشگوفایی کشورهای منطقه خواهد بود.

به گفتهٔ این مقام سازمان ملل، کشورهای منطقهٔ آسیای میانه به شمول ایران، پاکستان وافغانستان می توانند با اجرای طرح های مشترک، نیازهای خود را از منابع سرشار موجود به نحوی شایسته بر آورده کنند.

کنفرانس همکاری های اقتصادی منطقه یی با افغانستان با شرکت پنج کشور آسیای میانه، ایران، پاکستان وافغانستان با صدور بیانیه یی مشترک شام۲۳ ثور به کار خود پایان داد.

تراژدی فلسطین، زخم ناسور امت اسلامی!

اعزامی

بیشتر از نیم قرن می شود که کشور باستانی فلسطین در آتش جنگ وبحران می سوزد، به جز از جنگ های صدسالهٔ صلیبی ها(۱۰۰۰–۱۱۰۰) که مدت یک قرن دوام کرد ومسیحی ها بالشکر کشی های متداوم به دنیای اسلام، بیت المقدس را نشانه گرفتند، ولی آخر الامر به پاسخ دندان شکن صلاح الدین ایوبی ولشکریانش مواجه شدند. بحران شرق میانه امروز ادامهٔ همان جنگ های صدسالهٔ صلیبی دیروز است که بازهم در محراق توجه مهاجمان سرزمین ستراتژیک فلسطین وشهر مبارک قدس شریف می باشد. تنها تفاوت جنگ های صدساله که دیروز باجنگهای پنجا وپنج سالهٔ امروز در این است که در گذشته مسیحیان به تنهایی علیه مسلمانان هجوم آوردند، ولی امروز مسیحیان باتبانی وحمایت یهودیان به تهاجم پرداخته اند. در گذشته مسیحی ها از تمکن حضرت عیسی علیه السلام در سرزمین فلسطین دفاع می کردند وخواهان سیطره برآن خطه بودند، ولی هنگامی که سرشان به سنگ اصابت کرد وتیرشان به هوا رفت، این بار به خاطر انتقام جویی شکست های گذشتهٔ خویش، صورت دعوا را با مضمونی دیگر ترتیب دادند وآن این که فلسطین ملک آبایی یهودیان می باشد وباتحریک وبسیج قوم یهود از سراسر دنیا، نخست آنها را مالک اصلی سرزمین فلسطین معرفی کردند، سپس نهضت ملی یهود(صهونیزم) را برای آن ها تشکیل دادند، بعداً دولت ملی یهود(اسرائیل) را تأسیس و در نهایت باتهاجم وحشیانه برمسلمانان فلسطینی وکشورهای همسایهٔ آن ادعای تشکیل اسرائیل بزرگ از نیل تافرات را کردند.

به همین خاطر است که بحران فلسطین تنها به جنگ ونا آرامی درکشور فلسطین خلاصه نمی شود، بلکه تمام کشورهای اسلامی حاشیهٔ بحر مدیترانه، دریای سرخ وخلیج فارس در برمی گیرد و طی۵۵سال اخیر پای تمامی کشورهای شرق میانه به نحوی از انحا در این بحران کشیده شده است. مگر قضیهٔ فلسطین وتحکیم وگسترش نفوذ دولت اسرائیل علت اصلی بحران شرق میانه است، مادامی که معضلهٔ فلسطین به گونه یی عادلانه حل وفصل نشود، شعله های جنگ در سایر کشورهای شرق میانه بیشتر زبانه می کشد و این آتش خاموش نمی شود تا آن که خنجر فرو رفته در قلب اعراب(اسرائیل) برون آورده شود، در طی نیم قرن اخیر اسرائیل تبانی باحامیانش نقشهٔ حداقل هشت جنگ بزرگ وجنگ های کوچک دیگری را در این خطه ریختند. جنگ۱۹۴۸ که منجر به شکست اعراب وتأسیس دولت اسرائیل در فلسطین گردید، جنگ ۱۹۵۶ که منجر به شکست اعراب خصوصاً مصر گردید، جنگ ۱۹۶۷ که منجر به اشغال تمام خاک فلسطین وقسمت هایی از خاک کشورهای مصر، اردن، سوریه و لبنان گردید، جنگ ۱۹۷۴ که ظاهراً به پیروزی اعراب وشکست اسرائیل در سینا انجامید، جنگ ۱۹۸۰ عراق علیه ایران که در اول به پیشروی عراق و در اخیر منجر به شکست عراق گردید، جنگ ۱۹۸۳که منجر به اشغال خاک لبنان توسط اسرائیل گردید، جنگ سال۱۹۹۰ که در قدم اول منجر به اشغال کویت وسپس به شکست عراق وآزادی کویت شد وجنگ۲۰۰۳ که منجر به اشغال عراق توسط امریکا ونیروهای ائتلاف وسقوط رژیم دیکتاتوری صدام حسین گردید.

هرچند این جنگ ها غالباً در کشورهای هم جوار ویا دور تر از فلسطین مشتعل گردیده، ولی قضیهٔ فلسطین وتثبیت حاکمیت اسرائیل در منطقه منشأاصلی بحران را تشکیل می داد و در هرجنگی اسرائیل یا نقش اصلی را داشته ویا تأمین امنیت اسرائیل انگیزهٔ جنگ بوده است. گسترش ونفوذ اسرائیل تحقق نمی یابد مگر در نابودی مسلمانان فلسطینی وتسلیمی بلاقید وشرط اعراب به خواسته های توسعه طلبانهٔ تل ابیب، اگر جنگ هایی در صحرای سینا واطراف نیل ویا در جنوب لبنان وارتفاعات جولان وغرب رود اردن و وادی های دو طرف دجله وفرات(عراق) وایران صورت می گیرد، هدف عمدهٔ آن همانا تحقق شعار اسرائیل بزرگ(از نیل تافرات) می باشد که اسرائیلی ها از روزهای اول تجاوز به خاک فلسطین، آن را زمزمه می کنند.

سازمان آزادی بخش فلسطین که ائتلافی نسبتاً بزرگ از سازمان های پیکار جوی فلسطینی است وبعدها به ادارهٔ خودگردان مسمی گردید، طی نیم قرن گذشته علم بردار اصلی مقاومت علیه تجاوز واشغال اسرائیلی ها بود ویاسر عرفات مرد شماره یک این سازمان به قهرمان ملی عرب در مبارزه علیه اسرائیل شهرت یافت، مگر سازش این سازمان با اسرائیل وتوافقات دوطرف در اواخر دههٔ هشتاد در مادرید واسلو، موجب گردید که سازمان آزادی بخش از سنگر مبارزهٔ مسلحانه عقب نشینی کرده وبه سازش مخفیانه تن در دهد وجایش را انتفاضه یعنی نهضت جوانان فلسطین در قالب گروه های حماس وجهاد اسلامی پرکند. قیام انتفاضه که اولین جرقهٔ آن درسال۱۹۸۷مشتعل گردید وطی۱۶سال اخیر بارسنگین جهاد ومبارزه علیه قشون اشغالگر اسرائیلی را به عهده دارد، با دادن قربانی هایی بی شمار خواب آرام را از چشمان اشغالگران صهونیست وحامیان آنها ربوده وتمام تلاش آن ها این است تاضمن سرکوبی پیکار جویان جوان فلسطینی، چهره های اصلی این قیام را هدف ترور قرار دهند ونابود کنند. به تاریخ۳حمل امسال به اثر فیر راکت، شیخ احمدیاسین رهبر معلول حماس به شهادت رسید در ظرف کمتر از یکماه جانشین او دکتر عبدالعزیز الرنتیسی نیز باحملات راکتی طیاره های قوای اسرائیل به مقام والای شهادت نایل گردید. إنا لله وإنا إليه راجعون.

مع الأسف در شانزده سال قیام انتفاضه، روزی نیست که چند خانهٔ فلسطین ویران نشود وچند نفر پیر وجوان فلسطین شهید نگردد.

اسرائیلی ها گمان کرده اند که یگانه راه تثبیت برتری آنها برقیام کنندگان، تشدید خشونت وکشتار بی رحمانهٔ آنهاست، ولی آنها با این تصورات پوچ، کور خوانده اند، اعمال خشونت وقساوت نه تنها باعث زخم چشم ورعب و وحشت درمیان جوانان رزمندهٔ فلسطینی نمی شود، بلکه این وحشیگری ها به مثابهٔ ریختن بنزین روی آتش جنگ است ویا تشدید احساسات شهادت طلبی فلسطینی ها، شعله های جنگ فراگیر خواهد شد، چنانچه بسیاری از تحلیل گران، حوادث ۱۱سپتامبر در امریکا را واکنشی ناشی از مظلومیت مسلمانان در فلسطین می دانند که به رسم انتقام جویی در آن سوی کرهٔ زمین اتفاق افتاد.

از آغاز بحران شرق میانه تاکنون طرح هایی زیاد برای حل وفصل بحران شرق میانه پیشکش شده، ولی این طرح ها به نفع اسرائیل بوده و حلال معضله نبوده ویا این که حلال مشکل بوده، مگر اسرائیل با انانیت وسرکشی از قبول آن ها اباورزیده ویا هم با وتوی حامیان اسرائیل در شورای امنیت روبه رو شده است.

یگانه راه حل بحران شرق میانه در قدم اول، اعادهٔ حقوق حقهٔ فلسطینی هاست وتا زمانی که مشکل فلسطین لاینحل بماند، شرق میانه روی آرامش را خود ندیده وبحران به صورت قطع حل نمی گردد، مگر باشکستن شاخ کبر وغرور اسرائیل با این شرایط که:

۱- اسرائیلی ها خیال تحقق اسرائیل بزرگ را از سر دور نمایند.

۲- دولت اسرائیل به تمامی فیصله نامه های ملل متحد خصوصاً فیصله نامه های شماره۲۴۲ و۳۳۸تن در دهد.

۳- قوای اسرائیل به مناطق ومرزهای قبل از جنگ سال۱۹۶۷برگردد.

۴- تمام اسرای فلسطینی از زندان های اسرائیل آزاد گردند.

۵- کار شهرک سازی در اراضی اشغالی متوقف شود و زمین های غصب شدهٔ فلسطینی به صاحبانش مسترد گردد.

۶- تمامی آوارگان فلسطینی به کشورشان برگشته ومأوا داده شوند.

۷- بیت المقدس پایتخت فلسطین است وباید حرمت آن اعاده گردد.

۸- دولت نیرومند فلسطینی به موازات دولت اسرائیل درمناطق مسلمان نشین تأسیس گردد وجامعهٔ جهانی از عدم تجاوز مجدد اسرائیل به آن، ضمانت بدهد.

۹- سلاح هسته یی اسرائیل وسایر سلاح های تخریب جمعی آن کشور نابود گردد.

۱۰- جامعهٔ جهانی بازسازی فلسطین را تضمین نماید.

اگر به قرار فوق بحران شرق میانه حل نگردد، تراژدی فلسطین جاری خواهد بود، جنگی که عاقبت آن جز تباهی مسلمانان، ننگ بشریت ودر نهایت ذلت وشکست مهاجمان حاصل دیگری نخواهد داشت.

رئیس پلیس وزارت داخله ...

دمعمول قانون له مخی ادامه وکړای شی.

با در نظر داشت مطالب فوق، از ریاست محترم حقوق ولایت کابل، حوزهٔ دهم امنیتی پلیس، قوماندانی عمومی گارنیزیون کابل و سارنوالی مرافعهٔ ولایت کابل، هیأتی به منظور تخلیهٔ حویلی نمبر۱۰ مورد ادعای من تعیین گردید که دگر ژنرال هارون آصفی از تخلیهٔ حویلی وقرار دادن آن به دسترس من اباورزید واخیراً دینار خیل رئیس محکمهٔ خاص حل وفصل دعاوی ملکیت ها را تابع خود نموده وبه نفع خویش حکم غیر قانونی از آن محکمه به دست آورده است. در صورتی که من یک شخص فاقد قدرت دولتی و در شمار افراد عادی جامعه می باشم، داد وفریاد خود را به کدام مرجع ومقامی اظهار نمایم، به خاطری که آخرین مرجع داد رسی همین محکمهٔ خاص حل وفصل دعاوی ملکیت ها بود که بنده نیز مثل سایر هموطنان به آن دلبسته بودم واز فیصلهٔ آن محکمه مطمئن بودم که تابع زور و زر نمی شود که با تأسف از قانون و از نام قانون سوء استفاده گردیده است. امیدوارم دولت انتقالی اسلامی افغانستان که همواره از جلوگیری اتلاف حقوق مظلومان دم زده وقانون سالاری را در پرتو انفاذ قانون اساسی کشور قابل رعایت می داند، به هر طریق ممکن از سلسلهٔ قانونی به رفع ظلم، تهدید وتخویف که از جانب ژنرال آصفی رئیس امور پلیس برمن وارد گردیده است، بپردازد وحویلی ام را برایم بسپارد.

در خاتمه توجه جدی مشاورت مقام محترم ریاست دولت انتقالی اسلامی، شورای عالی مقام ستره محکمه، مقام محترم لوی سارنوالی وکمیسیون مستقل حقوق بشر را در مورد اعادهٔ حقوق حقهٔ خویش معطوف می دارم.

باالاحترام

حاجی احمدالله

یاد داشت: ما ادعای این هموطن خویش را با اسنادی که ارائه کرد نشر کردیم، اگر جانب مقابل مطلبی خلاف این ادعا داشته باشد، مجاهد حاضر است آن را نیز به نشر بسپارد.

نمایندهٔ ملل متحد حرف خود را...

ثقیل وخفیف خود را تسلیم نمودیم، در حالی که از این کار قدردانی نشد. او اخطار کرد که اگر نمایندهٔ ملل متحد حرف خود را در بارهٔ من پس نگیرد، حتی یک میل سلاح باقی مانده را هم تسلیم نخواهیم کرد.

ژنرال عطامحمد در ضمن از رئیس دولت حامد کرزی ومارشال فهیم وزیر دفاع وعلی احمد جلالی وزیر امور داخله قدر دانی کرد که در هفتهٔ قبل هیأتی از جانب او را پذیرفته و از ابتکارات وی اظهار امتنان نموده اند.

ژنرال عطامحمد همچنان گفت که فقط براساس دستور رئیس دولت و وزیر دفاع حاضر به تحویل دادن سلاح خواهد بود و در این زمینه دستور وهدایت هیچ مرجعی دیگر اعم از داخلی و خارجی را قبول نخواهد کرد.

مجاهد

وآنان که در راه ما با جان ومال جهاد کردند محققاً آنان رابه راه خویش هدایت می کنیم و همیشه خدا یار نیکو کاران است
قرآن کریم

ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان

● مجاهد می تواند مطالب را ویرایش کند.
● مطالب آمده مسترد نمی گردد .
● آرا واندیشه های مقالات غیر از سرمقاله لزوماً مبین آرا ومواضع جمعیت نیست.

شعار ما

رضای خداوند(ج) هدف ما
حضرت محمد(ص) رهبر ما
قرآن قانون ما
جهاد راه ما
شهادت در راه خدا از عالی ترین آرزوهای ماست

دور ششم | سال سوم | شمارهٔ هفتم | چهارشنبه ۳۰ ثور ۱۳۸۳ | ۲۹ ربیع الاول ۱۴۲۵ – 19 May 2004

دانشکدهٔ شرعیات از پذیرش دانشجویان غیر مسلکی معذرت خواست

قرار یک گزارش، شورای علمی دانشکدهٔ شرعیات دانشگاه کابل، فیصله کرده است که از جذب یک صد وبیست وسه تن از دانشجویان غیر مسلکی که از لیسه های عمومی فارغ شده اند، معذرت خواسته شود. وزارت تحصیلات عالی دولت انتقالی نیز، شاید در اعتراض بر همین تصمیم شورای علمی دانشکدهٔ شرعیات، اعلام نتایج دانشجویان مسلکی را که در کانکور اختصاصی مدارس دینی شامل بوده اند به تعویق انداخته است.

گفته می شود که معرفی یک صد وبیست وسه نفر شاگرد غیر مسلکی به رشتهٔ شرعیات در تاریخ پنجا و سه سالهٔ این دانشکده بی سابقه بوده است و از این که دانشجویان شرعیات در رشته های فقه وقانون وتعلیمات اسلامی به تحصیل می پردازند، بایستی آنها در مرحلهٔ قبل از ورود به دانشگاه مطالبی عمده در مورد علوم اسلامی مخصوصاً علم تفسیر، حدیث، فقه، صرف، نحو ومعانی بدانند، لذا جذب افرادی که فاقد این شرایط باشند، مخالفت بامفاد قانون اساسی پنداشته می شود وبه همین دلیل دانشکدهٔ مذکور در امر پذیرش دانشجویان غیر مسلکی در سال تعلیمی جدید ابا ورزیده است.

برخی از صاحب نظران این اقدام وزارت تحصیلات عالی را یک اقدام غرضِ ورزانه در جهت بی محتوی ساختن این دانشکده دانسته اند که هدف از آن کم بها دادن به علوم اسلامی در دانشگاه و در نهایت کاستن از نقش دین در جامعه است.

شورای علمای افغانستان از همین لحاظ در دیداری که اخیراً با رئیس دولت داشتند، شدیداً این اقدام وزارت تحصیلات عالی را مورد اعتراض قرار دادند واز رئیس دولت خواستند که ایشان شخصاً در این باره اقدام ورزد، چون بدون آموزش کادرهای متخصص در علوم وحقوق اسلامی ما نمی توانیم قوانین جمهوری اسلامی افغانستان را به شمول قانون اساسی فهم کنیم وبه مورد تطبیق بگذاریم.

مقایسهٔ وضعیت زندان ابوغریب با زندان " بگرام " در افغانستان

روزنامه آلمانی زود دویچه زایتونگ در شماره روز جمعه خود نوشته است ":براساس گزارشات شاهدین عینی ، شرایطی که زندانیان افغانی در آن نگهداری می شوند , بسیار بدتر از زندان ابوغریب است ".

"هانس لیند دکر" نویسنده این مطلب سپس با اشاره به تصاویر ارائه شده در وسایل ارتباط جمعی جهان در رابطه با سوء رفتار وحشیانه با زندانیان عراقی ، که منجر به برانگیختگی تنفر عمومی در میان مردم جهان شده است ، می نویسد :"چیزی که بطور گسترده توجهی را برنیانگیخته است ، شرایط نگهداری زندانیان افغانی در بگرام ، قندهار و جزیره " دیگو گارسیا " در اقیانوس هند است که ۲۴۰۰ زندانی در آنجا نگهداری می شوند. اینکه با زندانیان و در این زندانها چه رفتاری صورت می گیرد ؟ هیچ عکس و فیلمی موجود نیست ، اما خبرهائی که از سوی زندانیان سابق دهان به دهان نقل می شوند ، می توان دریافت که از رعایت قوانین مربوط به کنوانسیون ژنو در این زندانها خبری نیست . به احتمال زیاد می توان زندان ابوغریب را در مقایسه ، به یک مرکز تفریحی تشبیه کرد.

"لیند دکر " آنگاه در ادامه گزارش خود به توصیف زندان "بگرام" افغانستان پرداخته و می نویسد :" بگرام در ۶۰ کیلومتری شمال افغانستان قرار دارد و مشهورترین زندان افغانستان است .همه" تروریستهای " واقعی ، هوادارانشان و طبعا بسیاری از کسانی که هیچ گناهی نداشته و تدارند ، در آنجا نگهداری و فشار های روحی و روانی ، بازجوئی می گردند . گفته می شود که در زندانهای افغانستان نیز دمانند عراق سر و روی زندانیان را می پوشانند وبه آنها اجازه خواب داده نمی شود . آنان مجبورند ساعات متوالی در وضعیتی دردآور وطاقت فرسا بسر برند .

این شکنجه ها را سربازان آمریکائی “Folter lite„می نامند . از زخمی ها و افرادبیمار دارو و درمان دریغ می شود . گاهی اوقات زندانی را مجبور می کنند در حالی که کاملا لخت است در سلول خود منتظر بماند تا کسی بسراغش بیاید . این مدت می تواند براستی بسیار طولانی باشد . این عمل را سربازان Softening them „

" upنام داده اند . زندانی را رام کردن . یک همکار روزنامه واشنگتن پست گزارش داده است :" اگر مسئله حقوق بشر را در مورد این زندانیان نقض نکنی مثل این می ماند که به وظایف خود عمل نکرده ائی ." تقریبا همه زندانیان سابق زندان بگرام افغانستان از وارد آوردن شوک الکترونیکی به خود خبر داده اند . آنها گفته اند که سربازان شبانگاه بسراغ آنها آمده و به آنان امر می کردند تا زانو زده و رو به پائین خیره گردند .آنگاه از زندانیان فیلمبرداری می شد . در عین حال که زندانیان را کتک نیز می زدند. در زندانهای افغانستان تا کنون نمونه های بسیاری از مرگ زندانی دیده شده است .یکی از آنها دهقانی بود ۱۲ ساله که در جواز دفنش که به تاریخ ۱۳.دسامبر2002 صادر گردیده، نوشته شده بود " زخمهای شدید در اثر بکارگیری خشونت بروی اعضای بدن " که منجر به مرگ شده است . یک پزشک زن در فرم مربوطه و در قسمت " علت مرگ "نوشته بود "قتل ". در این میان اگرکسی عضو سازمان القائده بوده باشد ، در موردش روشهای بسیار شدید تری اعمال می شود . بازجویان درجه حرارت اطاق بازجوئی را تا ۴۰ درجه بالا برده و به ناگاه آنچنان پائین می آورند که به زندانی شوک دست می دهد .(زیر ۱۲ درجه .(زندانی معمولا لخت در سلول نگهداری می شود . چراغ اطاق ۲۴ ساعته روشن است . می گویند رفتاری که در زندان گوانتانامو بازندانی می شود در مقایسه با بگرام قابل تحمل تر است . این نکته را نیز باید اضافه کرد که اگر یک زندانی هوادار القائده زیر شکنجه مقاومت کرده و بحرف در نیاید از سوی مسئولین آمریکائی به نیروهای امنیتی سایر کشورها تحویل داده می شود .آنان در قساوت و وحشیگری در شکنجه مشهورند . بعنوان مثال در اردن هاشمی زندانیانی را با بکارگیری روش ضرب و شتم بی سابقه مجبور به اعتراف کرده اند.

"محمد زامار " فردی است زندانی ، با تابعیت دوگانه آلمانی و سوریه ، وی به دایره دوستان محمد عطا ، تعلق داشته و گویا توسط سازمان سیا به شکنجه گران سوری تحویل داده شده است . یک روزنامه نگار متعلق به روزنامه واشنگتن پست گزارش می دهد :" ما کثافت را از بدن زندانیان پاک نمی کنیم ، بلکه آنان را به سایر کشورها می فرستیم تا این کثافتها از آنان زدوده شود.

برگرفته از اینترنت

از نامه های آمده

رئیس پلیس وزارت داخله خانهٔ مرا غصب کرده است

خواستم از راه نشر این نامه از فیصلهٔ عادلانهٔ محکمهٔ خاص حل وفصل دعاوی ملکیت ها که برمن ظلم روا داشته مقامات مسؤول را آگاه نمایم تا باشد که به احقاق حقوق مشروع من ممد واقع شود.

خانم مریم بنت سردار احمدشاه خان فرزند محمدخان که خواهر محترم دگر جنرال آصفی رئیس عمومی امور پلیس می باشد، یک در بند حویلی خویش را به مساحت۷۴ متر مربع که بالای زمین نمبر(۳۷۷) وزیر اکبر خان مینه اعمار گردیده، به موجب قبالهٔ شرعی۲۲۵/ ۵۷۱ مؤرخ ۱۳۵۶/۲/۲۰ محکمهٔ وثایق شهر نو کابل در بدل مبلغ یک میلیون و دوصد و پنجاه هزار افغانی به محمدحسن فرزند محمدگل فرزند یار محمد به فروش قطعی رسانیده که به موجب آن دیگر خانم مریم حق تصرف وتملک خود را عرفاً وشرعاً وقانوناً در مورد حویلی متذکره از دست می دهد.

آخرین مشتری حویلی، این جانب حاجی احمدالله فرزند حاجی دوست محمد می باشم که قوالهٔ شرعی حویلی مذکور را به دست دارم. حویلی ملکیت شخصی بنده بوده ومطابق قانون اساسی کشور باید از تعرض مصئون می بود اما با در نظر داشت شرایط فعلی وصعوذ قیم ملکیت ها در شهر کابل با انگیزهٔ کسب منفعت بر خلاف تمام اصول اخلاقی وشرعی به ملکیت شخصی بنده تعرض نموده وبا نفوذی که بالای محاکم ذیصلاح دارد باوصف دلائل موجود به این فیصله ها تن در نداده است.

محترم قاضی القضات در زمینه چنین حکم صادر نمودند:

"ریاست محکمهٔ خاص: تاریخ ۱۳۸۱/۱۲/۲۱

ورق عارض من حیث ارتباط به شما راجع شد، به تعقیب احکام قبلی نگاشته می شود که به مراجع ذی علاقه تفهیم نمایید که الی قطعیت فیصلهٔ نهایی وحکم محکمهٔ ذی صلاح هیچ کس وهیچ ارگان نمی تواند ذوالید عارض را باطل نماید طبق سیمینار سال ۱۳۵۰ واحکام شرعی اجازهٔ تصرفات در ذوالیدی خویش حقدار می باشد وهم مستأجر از طریق مربوطه به جریان گذاشته شود که به احکام مراجع غیر قضایی ترتیب اثر نداده وکرایه مطابق پروتوکول تأدیه گردد.

قاضی القضات فضل هادی شینواری"

به سبب بی اعتنائی محمد هارون آصفی نسبت به حکم مقام ستره محکمه، مجبورا به مقام لوی سارنوالی عارض گردیدم قضیه از جانب معاونت لوی سارنوالی در امور قوای مسلح مورد بررسی قرار گرفت.

سارنوالی مذکور به رویت اسناد ومدارک دست داشته فیصله نمود که حویلی مذکور در بدل مبلغ هفت صد میلیون افغانی به حاجی احمدالله فرزند حاجی دوست محمد به فروش رسیده است. مدعی بها، ملکیت مشروع شخص نامبرده(حاجی احمد الله) بوده واسناد آن خالی از عیوب می باشد مذکور حق داشته و دارد که حسب خواهش خویش از آن نفع ببرد برای مذکور نباید شخص ویا اشخاص حقیقی وحکمی مزاحمت ایجاد نمایند.

به اساس قرار مدلل ومستند مقام لوی سارنوالی دولت انتقالی اسلامی افغانستان ذریعهٔ مکتوب(۹۲۵) ۸۲/۱۰/۳۰ خویش به وزارت محترم امور داخله چنین هدایت داده است:

ده احترام په وړاندی کولو سره د۷۰۹/۱۱۴۸ لمبر مکتوب له کبله چی د۱۳۸۲ کال دجدی دمیاشتی په ۲۷نیټه دانتقالی اسلامی دولت د لوی څارنوالی دمعاونیت له خوا چی کاپی یی هغه محترم وزارت ته هم لیږل شوی ده لیکل کیږی چی محترم همایون اصفی ته لاز بنوونه وشی چی د وزیر اکبر خان مینی دلسم سرك په سر دلسم لمبر حویلی په اړوند دانتقالی اسلامی دولت دستری محکمی دامر مطابق عمل وکړی او کور په عاجله توګه اصلی مالك ته وسپاری او دکورنیو چارو : وزارت ساتونکو او منسوبینوته اجازه ورنکړای شی چی په شخصی مسایلو کی خپل مقام څخه ناوړه استفاده وکړی البته تر وروستی فیصلی پوری په مربوطو محکمو کی د دعوی مخکی وړلو ته ۷مخ